

حکومت نظامی اعلام نشده جمهوری اسلامی در شهرهای مهاباد و بوکان

اکنون بیش از یک‌هفته از یورش ددمنشانه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به شهرهای کردنشین مهاباد و بوکان میگذرد. آنها همه راههای ورود و خروج را در کنترل خود گرفته‌اند و رفت و آمد مردم و عبور کالاهای مغازه‌داران شهر و روستاهای اطراف را بشدت زیر نظر دارند. پاسداران در خیابانها گشت میزنند و مردم عادی بویژه جوانان را بدون هیچگونه دلیلی متوقف، بازدید و بازداشت میکنند؛ تلفنهای موبایل مردم را ضبط کرده صاحبانشان را مورد توهین و ضرب و جرح قرار میدهند. خانه‌های مردم را بررسی و هرکسی را که بخواهند اعم از زن و مرد دستگیر میکنند، اخبار مربوط به تجاوزجنسی از زندان ارومیه و برخی بازداشتگاههای شهرهای کردستان به گوش میرسد. دهها نفر از خانه و محل کارشان یا از خیابانها ربوده شده هیچ خبری از آنها به وابستگانشان داده نمیشود جز آنکه در مواردی جسد بیجانیشان را با بهائی سنگین و شرایطی سنگینتر به آنان میفرشند. سربازان امام زمان بویژه در این دوشهر مانع از بازشدن مغازه‌ها هستند و نمیگذارند مردم قوت روزانه خود را از از بقالی و سوپرمارکتها تهیه کنند؛ صف نانوائیها طولانی است و سپاهی و بسیجیهای مسلحی که از ارومیه و شهرهای دیگر آورده شده‌اند به مردمی که مدتها در این صف می ایستند اهانت میکنند و دنبال بهانه‌ای برای کتک کاری و دستگیری آنان میگردند. تأمین دارو برای بیماران و زخمیان بسیار کار مشکلی است، شیر کودکان و وسائل نظافت شخصی کمیاب و در صورت پیداشدن هم گرانتر از نرخ معمول است. اینترنت قطع شده است و تلفن موبایل کارائی تماس گرفتن یا ضبط تصویر و فیلم را ندارد تا زورگوئی و قلدری سربازان امام زمان مستند شده به شهرهای دیگر ایران یا خارج از کشور فرستاده شود، در نتیجه اخبار مربوط به این تبهکاریهای اسلامی بدست رسانه‌های جمعی نمیرسد و ایستگاههای خبری در داخل و خارج از آن بی اطلاع هستند. هدف آئی رژیم از اعمال این فشارها، خرابی بیشتر وضع اقتصاد منطقه و بیکار ماندن مردم، ورشکستگی بازرگانان و شکستن همه کوزه‌ها بر سر مبارزین و اعتصاب کنندگان و رودر رو قرار دادن آنان با مردمی است که روزانه رنج کمبودها و گرانیها و بیکاری افراد خانواده خود را میکشند.

در مجموع، شرایطی بر این دو شهر حاکم است که تنها با تعبیر اشغالگری یک نیروی خارجی قابل بیان است، کسی نیست به داد این مردم بی پناه برسد، هیچ کردی در وزارتخانه‌ها و دستگاههای دولتی دارای حتی یک موقعیت متوسط هم نیست، آنهایی هم که به نام نمایندگان مردم در مجلس نشسته‌اند همگی از چند فیلتر امنیتی و عقیدتی آخوندها گذشته‌اند و در فکر مردم و آسایش آنها نیستند، آنچه برای آنها اهمیت دارد رضایت رهبرشان و حقوق و پاداشی است که به جیب سرازیر میکنند. از آنها انتظار کمترین عکس العمل انسانی و حرفه‌ای نمیرود.

در چنین شرایطی، وظیفه سازمانهای حقوق بشری در خارج بسیار سنگین است. آنها باید با استفاده از همه شیوه‌های ممکن، صدای این مردم اسیر در دست ارتجاعیترین حکومت‌های جهان را به گوش جهانیان برسانند تا شاید گزارشگر ویژه سازمان ملل و کمیته حقیقت یاب آنها از این مسائل پشت پرده آگاه شده مسئولین یو ان و دولتهای جهان را از آن مطلع نمایند. در یک کلام، این اقدامات مصداق کامل جنایات جنگی در مورد مردمی است که نه تجزیه طلب و نه مسلح هستند و تنها مانند بقیه مردم کشور حقوق قانونی خود را میطلبند.

در همین ایام اختناق و فشار، رئیس جمهور ۶ کلاسه‌ی خامنه‌ای برای انحراف افکار عمومی، مسافرت بی معنایی به سنندج نموده در حضور عده‌ای از وابستگان و مأموران معذور افاضات 'حکیمانه' ای نموده به روال همیشگی، کاسه کوزه‌ها را بر سر 'ضد انقلاب' و عوامل خارجی شکسته است. او خود و رژیم قرون وسطائیش را دایه مهربانتر از مادر برای مردم کرد معرفی نموده- همان مردمی که چند ده کیلومتر دورتر از سنندج، در بوکان و مهاباد آزادی رفتن به سوپرمارکتها و نانوائیها را جز با نظارت و اجازه سربازان امام زمان ندارند.

در این اوضاع و احوال، وظیفه دستگاههای خبررسانی مستقل و مسئول در داخل و خارج کشور است که در جهت افشای این جنایات و اعلام اخبار قانون شکنیهای پاسداران و بسیجیان در این دو شهر و بقیه شهرهای کردستان و بلوچستان، خبررسانی کنند و از هر وسیله ممکن برای رساندن اخبار این شرایط ناگوار زندگی مردم کرد استفاده نمود و صدای در گلو مانده آنان را به گوش دیگران برسانند.